کارکردهای سیاسی پیش بینی نرخ تورم را دشوار می کند

شجاع الدینی، محمد رضا

طبق آمار،نرخ تورم در سال 81،معادل 8/15 درصد بوده‏ که این رقم در سال 82 به 6/15 درصد نزول کرده است.با توجه‏ به پیش بینی‏ها که افزایش نرخ تورم در سال 82 را عنوان‏ می‏کرد،این نتیجه را باید رضایت بخش تلقی کرد.

رشد شاخص قیمتی در اسفند 82 نسبت به ماه اسفند سال‏ 81 معادل 9/13 درصد بود در صورتی که رقم مشابه برای سال‏ گذشته 5/17 درصد بود.این نشان دهنده بالا بودن نرخ تورم‏ در ماههای میانی سال است.البته در مرداد سال 82 با توجه به‏ روند افزایش قیمتها مجلس شورای اسلامی وارد عمل شد و از افزایش اداری قیمتها خارج از ضوابط برنامه سوم ممانعت‏ نمود.در ضمن یارانه کالاهای اساسی به میزان سال 81 را ثابت‏ نگه داشت.میزان تورم یاد شده بیشتر تحت تاثیر رشد قیمت‏ خدمات بوده است که سهم مسکن،سوخت و روشنایی 37 درصد،سهم خوراکی،آشامیدنی ها و دخانیات 34 درصد و خدمات ساختمانی به بالاترین رشد معادل 5/23 درصد افزایش‏ داشته است.

در حالی که رشد قیمت خدمات 5/20 درصد بوده قیمت‏ کالاها تنها 7/12درصد رشد داشته است.

این عملکرد همچنین مرهون ثبات نسبی در روند افزایش‏ قیمت کالاهای وارداتی است که کمتر از نصف افزایش قیمت‏ کالاهای تولید و مصرف شده در داخل است که خود این هم‏ تحت تاثیر ثبات نسبی در نرخ ارز است.

به هر تقدیر عوامل متعدد از جمله تداوم رشد تولیدات‏ و افزایش چشمگیر در واردات که حدود 30 درصد نسبت‏ به سال 81 رشد داشته مانع از تحقق پیش بینی‏ها مبنی بر افزایش نرخ تورم در سال 1382 شد.ولی باید توجه داشت‏ که استفاده بهینه از سیاستها و ابزارهای مختلف یک حد و ظرفیت مشخص دارد.در مورد قیمتها هم اگرچه می‏توان‏ با تمسک به سیاست‏های مختلف از جمله ایجاد موانع‏ اداری برای افزایش قیمتها نرخ تورم را کنترل کرد و یا از واردات بیشتر برای ین کار بهره برد ولی موثرترین عامل‏ در تعیین سطح قیمتها میزان رشد نقدینگی و رشد عرضه‏ کالاها و خدمات است.

اقتصاد ما رشد خوبی را تجربه کرده است.علی الهذا برآوردهای حاکی از آن است که رشد اقتصادی سال 82 حدود یک واحد از رشد4/7 درصدی سال 1381 کمتر بوده است. این نشان می‏دهد که علی رغم همه تحولات مثبت حفظ چنین‏ رشدهایی کار دشواری است.ناگفته نماند که با استمرار در تعدیلات اقتصادی بویژه در ساختارهای اقتصادی می‏توان از امکانات بالقوه کشور به مراتب بیشتر بهره برد و نرخ‏های‏ رشد به مراتب بالاتری را تجربه کرد ولی خود اینها هم ظرفیتی‏ دارند بطور مثال کارخانه‏ها از ظرفیت‏های خود استفاده کامل‏ نمی‏کنند.بنابراین تاکید ما در کنترل نرخ تورم باید بر کنترل‏ رشد نقدینگی باشد.نقدینگی طی سالهای 79 الی 82 به طور متوسط حدود 29 درصد رش داشته است در صورتی که رشد تولیدات حدود 5/5 درصد و رشد قیمتها به طور متوسط حدود در صورت‏ عدم کنترل جدی رشد نقدینگی،تورم در سال جاری شدت زیادی‏ پیدا می‏کند.سیاستگذاران‏ پولی و مالی نباید از این نکته غافل باشند 14 درصد بوده است این شکاف بین رشد نقدینگی و تورم که‏ بخش عمده آن هم غیر قابل توضیح است موجب نگرانی از شتاب قیمتها شده است.

هر چه شکاف غیر قابل توضیح تداوم پیدا می‏کند و به‏ عبارت دیگر تورمی که پیش‏بینی می‏شود تحقق نمی‏یابد نگرانی از بروز شدت در تورم بیشتر می‏شود.سال گذشته که‏ نقدینگی حدود 25 درصد رشد کرد تورم در حدود،سال ما قبل باقی ماند.

با این مقدمه انتظار می‏رود که در صورت عدم کنترل جدی‏ رشد نقدینگی،تورم در سال شدت زیادی پیدا کند. سیاستگذاران پولی و مالی نباید از این نکته غافل باشند که در ماه پایانی سال 82 مردم حدود 25000 میلیارد ریال بابت‏ ثبت نام موبایل پرداخت کردند که این مبلغ تنها 5 درصد نقدینگی را تشکیل می‏دهد.اینها پولهایی است که منتظر فرصت برای سود هستند.در صورتی که امکان سود خوبی‏ در جایی ببینند به آن سمت هچوم می‏برند،به این ترتیب اگر فکر کنند که از نگهداری پول یا نقدینگی زیان فاحشی‏ می‏کنند آن را به دارایی دیگر تبدیل خواهند کرد.یکی از دلائلی که چرا نباید در چنین شرایطی نرخ سود بانکی را کاهش داد همین است.

در کنار این عوامل بالقوه که ذکر شد قیمت کالاهای اولیه‏ در سطح بین المللی هم رشد چشمگیری داشته است و این امر حتی با فرض ثابت ماندن نرخ ارز موجب افزایش تورم وارداتی‏ خواهد شد.لاجرم نرخ ارز در بازار بی‏تفاوت از نرخ تورم‏ نبوده و آن هم تحت فشار برای افزایش خواهد بود که طبعا فشار بیشتری را بر قیمتها وارد خواهد کرد.

لذا اگر بخواهیم صرفا بر اساس کارکردهای اقتصادی تورم‏ را پیش بینی بکنیم باید بگوییم که نرخ آن نسبت به دو سال‏ گذشته بالاتر خواهد بود.ولی اینکه بگوییم چقدر؟واقعا پیش بینی سختی است چون محققین حتی از توضیح کامل‏ اینکه چطور با رشد بالای نقدینگی،نرخ تورم در سالهای اخیر متناسبا بالا نبود،بی‏خبر بوده‏اند.البته عوامل و اقدامات سیاسی‏ می‏تواند تورم را شدت یا تخفیف بدهد و این امر با توجه به‏ کارکردهای سیاسی در کشور عدم اطمینان بیشتری را ایجاد کرده و پیش بینی نرخ تورم را مشکل‏تر می‏سازد.